انتقال پایتخت راه‌حل نیست

سیدامیر منصوری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، نگاه دیگری دارد و می‌گوید: «تاب‌آوری تهران مسئله‌ای است که با نادیده گرفتن برخی از مشکلات طرح جامع مطرح می‌شود. بررسی‌های ما نشان می‌دهد اینکه یک عده فکر می‌کنند یک استاندارد یکسان وجود دارد، یک توهم است. بارها مسئولان می‌گویند ایده‌آل سرانه فضای سبز در جهان مثلاً ۱۳ متر است و ما آمده‌ایم این سرانه را از ۷ متر به ۱۰ متر رسانده‌ایم. باید از اینها پرسید که شما در مورد کجا حرف می‌زنید؟ در زابلی که آب برای نوشیدن وجود ندارد، سرانه ۱۳ متری یعنی چه؟ در بابلسر که از دیوارها هم سبزه می‌روید، فضای استاندارد ۱۳ متر یعنی چه؟ نقطه خطای ما دقیقاً اینجاست که دریک بستر نسبی، مطلق اندیشی کنیم. اگر طرح جامع نمی‌تواند بیمار خود را درمان کند، نمی‌توانیم مریض را روبه قبله کنیم و منتظر مرگ‌اش بمانیم. ما در حال اجرای نسخه‌ای هستیم که در دهه ۱۹۶۰ منقضی شد. راه‌حل این است که ما آسیب‌شناسی کنیم و ریشه بحران‌ها و مسئله‌هایمان را بشناسیم.»

منصوری می‌گوید به‌جای اینکه یک فرمت معلول و ناکارآمد را سند قرار دهیم، بگوییم چند مسئله اصلی در تهران داریم؟: «ایمنی، مسکن و آلودگی هوا مسائل اصلی تهران هستند که مورد سوم نیز تابع موارد اول و دوم هستند. ما برای خروج از بن بست طرح جامع باید سراغ برنامه‌های مسئله‌محور برویم. اگر بخواهیم یک راه‌حل خروج از بحران پیدا کنیم، اولین کار این است که افسانه‌زدایی از برخی باورهای نادرست مانند تثبیت جمعیت رخ دهد. فرقی بین اسلامشهر و تهران نیست. تهران مجموعه‌ای از ۴۰ شهر است که زندگی، کار و اجتماع همه مردم آنها به‌هم‌پیوسته است. این فشار محیط‌زیستی چیست که ما تاکنون نشنیده‌ایم و اخیراً گفته می‌شود که به همه ما هم وارد می‌شود؟ معیار آن چه بوده است؟ اگر فشار محیط‌زیستی در منطقه ۱۸ کمتر از منطقه ۱۷ باشد، می‌توانیم به یکی تراکم بدهیم و به دیگری ندهیم؟ تا وقتی به خیالات و توهمات بچسبیم و یک استاندارد واهی ساخته شود، سنگ را نمی‌توانیم روی سنگ بند کنیم؟ آب لازم است و حق همه مردم هم است. اگر ما در این طرف محدوده به کسی آب ندهیم، آن طرف اتوبان آزادگان در اسلامشهر از آب استفاده می‌کند. یک انگاره دیگر این است که بگوییم اگر طرح جامع اجرا می‌شد، وضع ما بهبود پیدا می‌کرد. این یک ادعاست. آیا علت اجرا نشدن این طرح، عملیاتی نبودن آن نبود؟» او اضافه می‌کند که باید توهمات را کنار بگذاریم و در قالب همان طرح‌های موضوعی و موضعی مسائل را حل کنیم. برای مثال می‌توان همانطور که طرح جامع گفته است، برای بافت فرسوده طرح بدهید و این موضوع را حل کنیم؛ چون اعتقاد دارد نه‌تنها ایمنی از طریق حل مشکل بافت فرسوده حل می‌شود، بلکه بخشی از این واحدهایی که دولت می‌خواهد بسازد با این کار ساخته می‌شود: «قرار نیست همه‌چیز ما ثابت باشد. ما نمی‌گوییم فقط تراکم را بالا ببریم چون می‌دانیم اگر فقط تراکم را بالا ببریم، همه می‌میریم. قیمت میانگین مسکن به متری ۱۰۰ میلیون و تعداد روزهای آلوده به ۲۳۰ روز رسیده و نمی‌توانیم کاری کنیم. باید در چارچوب عقلانیت عمل کنیم.»

این استاد دانشگاه تهران همچنین در خصوص انتقال پایتخت سیاسی به‌عنوان یک راه‌حل می‌گوید: «سوال اصلی این است که انتقال پایتخت راه‌حل چه مسئله‌ای است؟ اگر قرار باشد مشکلات تهران را مثل آلودگی هوا، ایمن نبودن بافت‌های فرسوده، کمبود آب و گرانی مسکن و موارد دیگر با این طرح حل شود، تصور نادرستی است؛ چون در این‌صورت کارمندان دولت به شهرهای دیگر منتقل می‌شوند و جمع آنها حدود ۵۰۰ هزار نفر است. کم شدن این جمعیت از منطقه شهری تهران، هیچ تغییر جدی‌ای به‌دنبال ندارد. انتقال جمعیت عظیم هم امکان‌پذیر نیست. پس اگر انتظار این است که این راه‌حل بیشتر از این تعداد جمعیت را منتقل کند، شدنی نیست. ما باید برای جمعیت ساکن در شهر تهران و شهرهای اقماری آن فکری اصولی کنیم که زودتر از مسائل واقعی خود نجات پیدا کنند. راه‌حل به‌رسمیت شناختن مسئله‌ها و رویکردهای دانش‌بنیان؛ نسپردن کار به دست سیاسیون و مشاورانی که تکنسین‌اند، دانش استراتژیک ندارند و کسانی که دارای تزاحم منافع‌اند و با یک شبکه‌ای به طرح‌های خاص توسعه‌ای وصل هستند، است.»

آرادکوه بمب محیط‌زیستی

میثم بصیرت، استاد پیشین شهرسازی و مدیریت شهری دانشگاه تهران و رئیس سابق مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران از مخاطرات تهران می‌گوید و به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا این شهر هنوز ظرفیت پایتخت‌بودن را دارد؟ آیا با ساختار فعلی، می‌توان امیدی به بهبود شرایط داشت؟ او توضیح می‌دهد که یکی از عوامل بنیادین بحران تهران، نادیده گرفتن تخصص‌های شهرسازی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی فضایی و حکمروایی شهری در سطوح کلیدی مدیریت شهری است. او اعتقاد دارد که در طول سال‌های گذشته جایگاه‌های مهم تصمیم‌گیری در مدیریت شهری، از معاونت‌های فنی گرفته تا سازمان‌های زیرمجموعه، به افراد فاقد صلاحیت‌های علمی-حرفه‌ای برتر سپرده شده‌اند و نتیجه روشن است؛ گسیختگی میان داده‌های پژوهشی و تصمیم‌سازی اجرایی، شکست طرح‌های راهبردی و تضعیف نظام مدیریت یکپارچه شهری. او از بحران شهرفروشی و فقدان درآمدهای پایدار می‌گوید: «مدیریت مالی شهرداری‌ها در ایران به‌ویژه تهران بر پایه ناکارآمدترین و ضدتوسعه‌ترین مدل درآمدی در جهان شهری، یعنی شهرفروشی استوار است. صدور بی‌رویه مجوز تراکم، تغییر کاربری و فروش آینده شهر برای تامین هزینه‌های جاری، باعث تخریب سیمای شهری، گسترش بی‌رویه سازه‌ها، تشدید بارگذاری بر زیرساخت‌های فرسوده و تشویق سوداگری شده است. در نبود سیاست درآمدی پایدار، شهرداری در دور باطل فروش بیشترِ شهر برای خرج بیشتر، بی‌قاعده و پول‌پاشی برای جلب حمایت گروه‌ها و بستن دهان منتقدان گرفتار است.»

بصیرت بحران پسماند و مدیریت محیط‌زیست شهری را هم به بحران‌های دیگر اضافه می‌کند: «گفته می‌شود تهران روزانه بیش از ۹ هزار تن زباله تولید می‌کند. با وجود هشدارهای مکرر کارشناسان، ظاهراً هنوز بخش عمده‌ای از این پسماندها دفن می‌شوند و بازیافت علمی، تفکیک از مبدأ، آموزش شهروندی و فناوری‌های نوین همچنان غایب‌اند، در حالی که طرح جامع مدیریت پسماند تهران در دوره شهرداری آقای حناچی تهیه شد. مجتمع آرادکوه عملاً به بمب زیست‌محیطی بدل شده و آلودگی آب‌های زیرزمینی، بو و شیرابه‌ها جان ساکنان مناطق جنوبی تهران را تهدید می‌کند.»

او مهاجرت‌های دهه اخیر از استان‌ها و هم از کشورهای همسایه را یکی دیگر از چالش‌های تهران می‌داند و توضیح می‌دهد که نبود یک راهبرد ملی برای انسجام اجتماعی و ساماندهی مهاجران، تهران را درگیر چالش‌های روزافزون حاشیه‌نشینی، اقتصاد غیررسمی، حس عدم امنیت و نابرابری اجتماعی کرده است.

بافت فرسوده در قلب تهران

«حدود ۳۰ درصد از بافت‌های شهر تهران فرسوده‌اند. نه‌فقط از نظر کالبدی که از منظر اجتماعی، خدماتی و اقتصادی.» این آماری است که رئیس سابق مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران از آن یاد می‌کند و می‌گوید که بافت‌های مرکزی شهر مثل مناطق ۱۰، ۱۲، ۱۷ و ۲۰، دچار زوال تدریجی شده‌اند؛ چون نه نوسازی موثری صورت می‌گیرد و نه ساکنان انگیزه ماندن دارند. درعین حال، مدیریت نوسازی شهری همچنان ناکارآمد است و نتوانسته به مدل پایداری در این زمینه برسد و الگوی شهرسازی همچنان گسترش افقی و توسعه ناپایدار پیرامونی را تشویق می‌کند.

بصیرت هم از ضعف زیرساخت‌های پدافند غیرعامل و آمادگی بحرانی می‌گوید: «تهران در یکی از زلزله‌خیزترین پهنه‌های جهان قرار دارد. با این‌حال زیرساخت‌های آمادگی در برابر بحران، پدافند غیرعامل، شبکه‌های پشتیبان، مسیرهای اضطراری و مدیریت بحران در وضعیت حداقلی هستند. هنوز بسیاری از مراکز حساس (مانند بیمارستان‌ها، مراکز آتش‌نشانی، مراکز سیاسی) در پهنه‌های پرخطر مستقرند. تجربه مقاومت ۱۲ روزه نشان داد، تهران فاقد زیرساخت پدافندی و پناهگاه‌های مناسب برای حفظ جان شهروندان است.»

او از برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته می‌گوید که با مشاهده افول کیفیت زندگی در پایتخت‌هایشان، اقدام به انتقال یا بازتوزیع عملکردهای پایتختی کرده‌اند؛ کشورهایی مانند برزیل که با ساخت برازیلیا، تمرکز سیاسی را از ریو کاهش داد، کشور اندونزی که به‌دلیل بحران آب و زمین در جاکارتا، پایتخت را به نوسانتارا منتقل کرد، کشور مصر که در حال انتقال ادارات دولتی از قاهره به پایتخت جدید در شرق این شهر است و کشورهای کره جنوبی و ترکیه که از طریق تقویت قطب‌های ثانویه، مانع تمرکز بیش از حد بر سئول و آنکارا شده‌اند. اما در ایران، با وجود همه این بحران‌ها همچنان تمام منابع، تصمیم‌گیری‌ها و نهادهای کلیدی در تهران متمرکز شده است.

استاد پیشین شهرسازی و مدیریت شهری دانشگاه تهران از ورشکستگی آب و انرژی در سایه فرونشست می‌گوید و آن را تهدیدی خاموش و بنیادبرافکن می‌داند: «این روزها قطعی‌های مکرر و گسترده برق در شهر تهران در فصل گرم سال، چهره‌ای دیگر از شکنندگی زیرساختی و ناکارآمدی مدیریت زیرساخت در کلان‌شهر پایتخت را نشان داده است. افزایش بی‌رویه مصرف، بی‌توجه به بهسازی و تعمیرات ساختاری، فرسودگی شبکه توزیع، وابستگی به منابع محدود تولید و عدم‌سرمایه‌گذاری مؤثر در انرژی‌های تجدیدپذیر، تهران را با بحران بی‌ثباتی انرژی روبه‌رو ساخته است؛ بحرانی که نه‌فقط آسایش خانوارها، امنیت غذایی و سلامت را تهدید می‌کند، بلکه مستقیم بر کارکردهای اقتصادی، ترافیکی، صنعتی و خدماتی شهر تأثیر می‌گذارد. قطعی برق در ایستگاه‌های مترو، بیمارستان‌ها، مراکز تجاری و حتی ادارات دولتی، نشانه‌ای روشن از آسیب‌پذیری پایتخت در برابر نوسانات تامین انرژی است. تهران شهری که قرار بود مرکز نوآوری، خلاقیت و پویایی باشد، امروز گرفتار خاموشی‌هایی است که ریشه در نبود راهبردهای تاب‌آور در حوزه انرژی شهری دارد. علاوه بر این تهران امروز درگیر یکی از عمیق‌ترین بحران‌های محیط‌زیستی تاریخ خود است: ورشکستگی آبی و فرونشست زمین. منابع آب تجدیدپذیر این شهر، به‌ویژه آبخوان‌های زیرزمینی، به‌دلیل برداشت بی‌رویه، خشکسالی‌های پی‌درپی و ضعف در مدیریت منابع، با افت شدیدی مواجه شده‌اند؛ درنتیجه نرخ فرونشست زمین در جنوب و جنوب‌غرب تهران به بیش از ۳۰ سانتی‌متر در سال رسیده است؛ عددی که در رده بالاترین نرخ‌ها در جهان قرار دارد و عملاً به‌معنای فروپاشی تدریجی بستر شهری است. فرونشست نه‌فقط زیرساخت‌های حمل‌ونقل، شبکه‌های آبرسانی، فاضلاب و برق را تهدید می‌کند، بلکه امنیت کالبدی سکونت‌گاه‌ها را به‌طور جدی به خطر انداخته است. درعین حال، وابستگی تهران به منابع آبی فرامنطقه‌ای و سدهای در حال افت ذخیره، حکایت از آن دارد که در صورت تغییر نکردن ساختار مصرف و اصلاح الگوی توسعه، تهران در افق نه‌چندان دور، به شهری غیرقابل زیست تبدیل می‌شود. این بحران فقط یک مسئله فنی یا اقلیمی نیست، بلکه بازتاب شکست حکمرانی آب و نادیده گرفتن ظرفیت‌های طبیعی در برنامه‌ریزی فضایی پایتخت است.»

بصیرت می‌گوید، در کنار تمام این چالش‌ها، رقابت‌پذیری تهران در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز به‌شدت تضعیف شده است؛ درحالی که رقابت‌پذیری شهری، به‌عنوان توان یک شهر برای جذب سرمایه، نخبگان، فناوری و گردشگران، در گروی زیرساخت‌های مدرن، امنیت اقتصادی، ثبات نهادی و چشم‌انداز روشن توسعه است؛ مؤلفه‌هایی که در تهران به‌ویژه در سایه تحریم‌های اقتصادی، بی‌ثباتی ارزی، ضعف حکمرانی و فضای نامساعد کسب‌وکار، آسیب جدی دیده‌اند. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به‌دلیل نبود شفافیت، ریسک‌های سیاسی، پیچیدگی‌های اداری و نبود نظام کارآمد مشارکت عمومی-خصوصی، تمایلی به ورود به پروژه‌های بلندمدت ندارند. در شرایطی که کلان‌شهرهایی مثل استانبول، دوحه یا دوبی در حال رقابت برای جذب سرمایه‌های بین‌المللی هستند، تهران به شهری بسته و غیربرنامه‌پذیر در نگاه سرمایه‌گذاران تبدیل شده است؛ شهری که با انبوهی از ظرفیت‌های بالفعل، اما درگیر محدودیت‌های ساختاری روبه‌رو است که اجازه بروز این ظرفیت‌ها را نمی‌دهد. تا زمانی که اصلاحات نهادی و گشایش در روابط اقتصادی کلان صورت نگیرد، امید به جهش در رقابت‌پذیری تهران، همچون توسعه پایدار آن، دور از دسترس خواهد ماند.

«تهران، ابرسیاه چاله توسعه فضایی است.» بصیرت پایتخت را با این عنوان توصیف می‌کند و اعتقاد دارد که در تحلیل‌های توسعه فضایی ایران، تهران نه‌تنها به‌عنوان یک کلان‌شهر، بلکه به‌مثابه ابرسیاه چاله توسعه شناخته می‌شود؛ جاذبه‌ای که منابع انسانی، سرمایه، امکانات، خدمات و تصمیم‌گیری‌ها را از پیرامون به درون خود می‌کشد، بدون آنکه بازدهی متناسبی در توزیع مجدد این منابع داشته باشد. این تمرکز افراطی ضمن تضعیف سایر شهرهای کشور، خود تهران را نیز به فروپاشی تدریجی سوق داده است. او می‌گوید: «تهران امروز در محاصره سیاه‌چاله‌های جمعیتی، کالبدی، زیست‌محیطی، مالی و نهادی قرار دارد؛ با هسته‌ای متورم، پیرامونی رهاشده، منابع ته‌کشیده و نهاد مدیریتی که بیش از آن‌که کارآمد باشد، درگیر تنازع قدرت است. این وضعیت نه‌تنها توسعه متوازن سرزمین را به‌خطر انداخته، بلکه تاب‌آوری خود تهران را نیز به‌شدت کاهش داده است.»

در گزارش اکونومیست ۲۰۲۴، تهران در رده ۱۶۳ از میان ۱۷۳ شهر از نظر زیست‌پذیری قرار دارد. در شاخص‌های حکمروایی شهری سازمان ملل، تهران از نظر مشارکت شهروندی، شفافیت تصمیم‌گیری، عدالت فضایی و کارآمدی نهادی، نمره بسیار ضعیفی دریافت می‌کند. این شهر، حتی در مقایسه با پایتخت‌های کشورهای منطقه نیز جایگاه مطلوبی ندارد؛ استانبول رتبه ۹۳، دوحه رتبه ۷۹، ابوظبی رتبه ۶۷، باکو رتبه ۱۲۲، دهلی رتبه ۱۴۵ و تهران رتبه ۱۶۳. بصیرت در پاسخ به این پرسش که آیا «تهران می‌تواند پایتخت بماند؟» می‌گوید: «در شرایطی که بحران‌های آب، انرژی، ترافیک، فرسودگی و ضعف حکمروایی دست‌به‌دست هم داده‌اند، پرسش اساسی این است که آیا تهران از نظر محیط‌زیستی، کالبدی، جمعیتی و نهادی، هنوز توان ایفای نقش پایتختی را دارد؟ در پاسخ باید گفت: خیر. حداقل نه با ساختار و الگوی فعلی. تهران نیازمند بازتعریف نقش خود در شبکه شهری کشور است؛ نه به‌عنوان مرکز متمرکز همه چیز، بلکه به‌عنوان یکی از قطب‌های متوازن در کنار دیگر کلان‌شهرهای کشور. با وجود این درست است که تصویر کنونی از شرایط تهران بحرانی است، اما آینده هنوز نوشته نشده است. آینده تهران می‌تواند چیزی جز این باشد، اگر پذیرفته شود که ادامه مسیر فعلی، فاجعه است و تغییر، ممکن است. این تغییر می‌تواند با تکیه بر محورهای زیر آغاز شود.»

هنوز امیدواریم

او راهکارهای خروج تهران از این بحران را این موارد می‌داند: «بازتعریف نظام حکمروایی شهری تهران با اتکای بر شایستگان و متخصصان مدیریت شهری و شهرسازی که هنوز جایگاه قانونی و حرفه‌ای خود را نیافته‌اند، استقرار نظام حکمروایی منطقه کلانشهری تهران مبتنی بر تهیه و تصویب قانون مدیریت و برنامه‌ریزی پایتخت، کاهش نقش سوداگری در اداره شهر و توسعه درآمدهای پایدار همچون مالیات بر ارزش‌افزوده محلی، مالیات بر املاک خالی، عوارض حمل‌ونقل، اصلاح مدل فضایی شهر با تأکید بر تراکم هوشمند، نوسازی هدفمند و توسعه حمل‌ونقل عمومی، پیگیری سیاست‌های پایتخت‌زدایی متوازن و انتقال بخشی از کارکردهای ملی به دیگر نقاط کشور (تراکم‌زدایی و سبک سازی تهران)، بهره‌گیری از دانش روز جهانی، همکارهای بین‌المللی و انتقال تجربیات جهانی در تاب‌آوری شهری و نهادسازی مشارکتی. درواقع اگر نظام حکمروایی شهری آن را بازسازی کنیم، سیاسیون و قدرت‌طلبان غیرمتخصص تهران، این گوشت قربانی مصیب‌زده را رها کنند، صدای متخصصان را به جای سوداگری بنشانیم و شجاعت تغییر در سطح ملی را داشته باشیم، هنوز هم می‌توان آینده‌ای زیست‌پذیر، پایدار و شکوفا برای تهران تصور کرد.»

خبرسازان

کشته‌شدن ۱۴ برابری زنان و کودکان در حوادث

رئیس پژوهشکده سوانح طبیعی کشور اعلام کرد، زنان و کودکان ۱۴ برابر بیشتر از مردان در حوادث کشته می‌شوند. به گفته او، طبق اسناد جهانی میانگین کشته‌شدگان زنان در سوانح، بالاتر از مردان است و ۶۵ درصد امدادگران کشورمان، مرد و کمتر از ۳۵ درصد، زنان هستند. به گزارش ایسنا، امیرحسین گرگانی درباره جزئیات بیشتر این خبر گفت: «در بم ۶۰ درصد کشته‌شدگان زنان بودند. از سوی‌دیگر، بحث امداد به زنان نیز مشکلاتی دارد. ۶۵ درصد امدادگران داخل کشور مرد و کمتر از ۳۵ درصد امدادگران، زنان هستند. در شرایط بحران خیلی اوقات برای زنان حضور در صحنه، ممنوع است.» رئیس پژوهشکده سوانح طبیعی کشور، با اشاره به اهمیت تقویت مراکز کمک به خانواده و اطلاع‌رسانی و ارتباط با مردم در زمان بحران، گفت: «نیازمند دستورالعمل ویژه در این خصوص هستیم. هرچند این امور به دستگاه‌ها در سال‌های گذشته ارسال شده اما اصلاً اجرایی نشده است.» گرگانی با بیان اینکه اسناد ملی در مدیریت بحران داریم که باید این اسناد را پایش و جایگاه آنها را رفیع‌تر کنیم، گفت: «تنوع‌بخشی به منابع معیشتی زنان می‌تواند کمک‌کننده باشد. باید دنبال برنامه‌ریزی حساس به جنسیت در زمان بحران بود.»

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ رنگ سفید معمولی شماره موتور ۱۱۱۲۸۱۲۰۱۱۶ شماره شاسی ۸۱۴۱۸۱۵۵ شماره پلاک ۲۴ ایران ۱۳۳ ج ۵۲ به‌نام جابر بحرانی پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی

نوبت اول

سازمان هواپیمایی کشوری

مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی شماره ۲ کارکنان سازمان هواپیمایی کشوری در ساعت ۱۱ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ در محل سالن اجتماعات شهدای خلیج فارس به آدرس: ساختمان مرکزی سازمان برگزار می‌شود فلذا از کلیه اعضاء دعوت می‌شود شخصا یا وکالتا جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور به هم رسانند.

ضمنا به اطلاع می‌رساند که به موجب ماده ۲۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجمع عمومی، تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر یک رأی و هرشخص غیرعضو تنها یک رأی خواهد بود و اعضای متقاضی امضای نمایندگی می‌بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ در محل دفتر اداره کل امور کارکنان و پشتیبانی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت برگه ورود به مجمع را دریافت دارند.

دستور جلسه:

- گزارش هیأت مدیره و بازرسان
- طرح و تصویب ترازنامه و صورتهای مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۴/۳۱
- انتخاب اعضای هیأت تصفیه

هیات مدیره شرکت تعاونی شماره ۲ کارکنان سازمان هواپیمایی کشوری

م الف:۱۶۲۲ شناسه آگهی: ۱۹۷۶۱۳۳

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

فراخوان اجرای عملیات نگهداری تاسیسات مکانیکی و الکتریکی

شرکت علمی و تحقیقاتی اصفهان

شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان در نظر دارد مناقصه اجرای عملیات نگهداری تاسیسات مکانیکی و الکتریکی خود را به شماره ۲۰۰۴۰۹۴۴۰۰۰۰۰۰۰۹ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸

مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ ساعت ۱۲

مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ ساعت ۱۲

زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ ساعت ۱۲:۳۰-سالن جلسات ساختمان شیخ بهایی شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۸,۵۳۲,۲۹۶,۱۶۱ ریال

بهای پیشنهادی باید به حروف و عدد در پیشنهاد درج شود.

شرکت در مناقصه هیچ حقی برای شرکت کننده ایجاد نمی‌کند. مدت انجام فعالیت ۱۲ ماه

میزان پیش پرداخت ۱۰درصد مبلغ قرارداد در قبال ضمانت نامه بانکی می‌باشد. محل انجام کار: شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان و ساختماهای خارج از شهرک

سایر اطلاعات در اسناد مناقصه موجود می‌باشد. جهت دریافت اسناد مناقصه و قرارداد به سایت www.setadiran.ir مراجعه شود.

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: اصفهان-بلوار دانشگاه صنعتی اصفهان- شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان-ساختمان شیخ‌بهایی

تلفن ۳۳۸۶۵۳۵۵

شناسه آگهی: ۱۹۷۶۴۷۹